

ایران ۱۴۰۱ به پشتوانه ظرفیت مردمی مراسم تشییع روز سه‌شنبه و با پذیرش تکثر اجتماعی از چالش ماه‌های اخیر عبور می‌کند

راه بازسازی



عکس: نیلانه باغی

فرهنگ‌یگان برخلاف تلاش‌هایی که در چند ماه اخیر جریان برانداز و دولت‌های حامی آنها یا هدف ارائه تصویری رادیکال از جامعه ایران به کار گرفتند روز سه‌شنبه مردم شهرها و روستاهای کشور همزمان با سوگواری شهادت حضرت فاطمه (س) به بدرقه ۴۰۰ شهید ۸ سال دفاع مقدس رفتند تا نشان دهند برای درک واقعیت نباید گوش به صدای رسانه‌هایی داد که با پمپاژ روزانه صداها خبر واقعی و غیرواقعی سعی در بازمانی تصویری دارند که فرسنگ‌ها دورتر از چیزی است که عینیت می‌یابد. رسانه‌هایی که هر اتفاق منفی داخلی و خارجی را به تصویر ایران الحاق می‌کنند و در خبر کشته‌شدگان کولاک زمستانی آمریکا به جای نام بردن نام این کشور عبارت «از کانادا تا مرزهای مکزیک» را به کار می‌برند تا مبادا حتی به‌قدر پوشش خبر یک بلای طبیعی به تصویر فانتزی برساخته شده از این کشور آسیب برسانند. این شیوه همچنین از این جهت

اتخاذ می‌شود که در آینده اگر بازندگی برف ولو به اندازه آب گرفتگی ورودی مترو برای مردم ایران ایجاد مشکل کرد این رسانه‌ها بتوانند از موج منفی آن برای ایجاد ناامیدی استفاده کنند و کسی هم از آنها نپرسد خب مگر در بقیه جاهای دنیا برف نمی‌بارد؟ در بین همه تصاویر حماسی که از مراسم تشییع پیکر شهدا در سراسر کشور بازنشر می‌شد، بیش از همه تصویری خودنمایی کرد که حرکت صفی طولانی از مردم روستای پردنجان چهارمحال و بختیاری را پشت سر پیکر شهیدشان نشان می‌داد. مراسمی پرشور مشابه آنچه در روز سه‌شنبه رخ داد را پیش از این، ۱۶ آذر همین سال در شهر بابل دیده بودیم. قبل‌تر از آن راهپیمایی نمادین اربعین و تجمع میلیونی غدیر را تجربه کرده بودیم، با این وجود بعد از انتشار این تصاویر برخی متعجبانه این سوال را از خود پرسیدند که اگر جامعه ایران آن چیزی است که روز سه‌شنبه در خیابان حاضر

شد پس آنها که در ماجرای اعتراضات توبیت می‌زدند، استوری می‌گذاشتند و بعضاً هم روانه خیابان می‌شدند چه کسانی بودند. جواب به این سوال را می‌شود این گونه داد که جامعه ایران هم آن است و هم این. و این جواب زمانی قابل درک‌تر می‌شود که گذشته را مرور کنیم. اعتراضات آبان ۹۸ و چند ماه بعد از آن یعنی دی ماه، تشییع پیکر میلیونی در چندین شهر ایران را شاهد بودیم. و ۹۸ هم تنها تجربه نیست. ماجرای اتفاقات ۹۶ هم برای اثبات این مدعا، تجربه قابل‌مطالعه است. ماجرابی که اساس شکل‌گیری آن اتفاقاً به‌دنه‌ای برمی‌گردد که علی‌رغم اعتقادات مذهبی، نسبت به وضع معیشتی خود و عملکرد دولت انتقاداتی داشتند. وجود تصاویر گاه متضاد از خیابان‌های ایران این واقعیت را اثبات می‌کند که برای تحلیل جامعه‌شناختی کشور اولین گام این است که قبول کنیم با یک جامعه متکثر روبه‌رو هستیم. جامعه‌ای که مطابق نظرسنجی اسپیا

۶۷٫۸ درصد آن اعلام کرده‌اند از باخت تیم ملی کشورشان خوشحال شده‌اند. اگرچه این رقم آنقدر زیاد نیست که توقع داشته باشیم ریل سیاستگذاری کشور به سمتش کج شود اما آنقدری هم کم نیست که در معادلات تصمیم‌گیری بشود آن را نادیده گرفت و اگر سیاستگذار با نادیده گرفتن تکثر اجتماعی ایران به یک سوسی آن بغلتد دچار چنین اشتباهی شده که هر آن می‌تواند اعتراضات اجتماعی پسینی را در پی داشته باشد. تصاویر متنوع از فضای اجتماعی ایران شاید موجبات تعجب برخی تحلیلگران سیاسی را فراهم کند. اما حداقل از این بعد می‌تواند این کارایی را داشته باشد که در اعتماد به نفس افرادی که با ارزیابی صفر و یکی به فضای جامعه می‌نگرند، خلل ایجاد کرده و مانع از آن شود که با نوشتن کلمه مردم در اول هر پاراگراف از زبان آنها نقل نظر کنند، نتیجه مطلق بگیرند و تصمیم میلی اتخاذ کنند.

بازتولید آبان یادی ۹۸؟

مرور حوادث چندماهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که اعتراضات در هر برهه‌ای اشتراکاتی با اعتراضات سال‌های قبل داشته و دارد. اعتراضات ۱۴۰۱ و اعتراضات ۱۳۹۸ که بعضاً هر دو در انتهای مسیر یادداشت‌شده‌های خارجی به حاشیه‌باز شده‌اند می‌توانستند اشتراکات دیگری هم با یکدیگر داشته باشند. اگر نگاهی به اتفاقات رخ داده در سال ۹۸ داشته باشیم، قضیه روشن‌تر می‌شود. در سال ۹۸ دو اتفاق مهم رخ داد یکی بحث گران شدن بنزین در آبان ماه و دیگری شهادت قاسم سلیمانی در دی ماه. جامعه ایران در زمان وقوع این دو اتفاق، واکنش‌های متفاوتی داشت؛ در مواجهه با گران شدن بنزین فارغ از اینکه چرا و چگونه این مساله ایجاد شد، مردم برای آنکه اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند به خیابان‌ها آمدند و در ادامه این اعتراضات با خشونت‌های رادیکال از جانب برخی معترضان همراه شد که اصل مطالبه مردم به حاشیه‌باز شده‌اند. از سوی دیگر همین مردم معترض در مراسم تشییع پیکر قاسم سلیمانی شرکت کرده و تشییع بی سابقه‌ای را رقم زدند. بی سابقه بودن این مراسم تشییع به اندازه‌ای بود که خبرنگاران و رسانه‌های غربی نیز با صراحت بر آن تأکید کردند. مثلاً خبرنگار روزنامه فرانسوی لوفیگارو با نشر توثیقی در حساب کاربری خود در توئیتر به این مراسم واکنش نشان داد. در این توییتر جمع‌مانی که بعد از ترور قاسم سلیمانی به دست آمریکایی‌ها در ایران برگزار شد، گسترده‌ترین جمعیت بعد از رحلت امام خمینی (ره) توصیف کرد. یا در توییتر دیگری، خبرنگار نیویورک تایمز حضور گسترده مردم ایران در تشییع قاسم

سلیمانی را بازنه داد. او در توییتر خود حضور میلیونی ایرانی‌ها را «دریای بی‌انتهای مردم» توصیف کرده بود. حضور طیف متکثر از سلیقه و علائق سیاسی در این تشییع به وضوح دیده شد، اما با این حال بخشی یا حتی جمع کثیری از افرادی که در این تشییع حضور داشتند، در آبان ماه همان سال به سیاست‌های حکومتی اعمال شده، معترض بودند. حالا به سال ۱۴۰۱ برگردیم. امسال نیز در بازه زمانی شهریور تا دی ماه حضور مردم در اعتراضات و تشییع شهدای گمنام را شاهد بودیم. مثلاً چند روز پیش، تصویری از حضور مردم در تشییع و بدرقه یک شهید گمنام در روستای پردنجان استان چهارمحال و بختیاری در فضای مجازی ویرال شد. البته ناگفته‌نماند که حضور مردم در مراسم تشییع امسال به معنای عدم اعتراض به سیاست‌های دولت نیست، اما ممکن است بخشی از جامعه معترض در تشییع‌ها نیز حضور داشته باشند. بنابراین این یک واقعیتی است؛ اینکه جامعه به سمت خشونت در اعتراضات برود یا اینکه درحالی که معترض است، مسالمت‌آمیز اعتراض خود را به گوش مسئولان برساند، امری است که به مکانیسم حکمرانی بستگی دارد. روزها یا اسال‌های آتی اگر اصلاحی در این مکانیسم صورت بگیرد، در شرایطی که مجدداً اعتراضی در کشور ایجاد شود، مردم معترض به دفاع از ارزش‌های انسانی و بازتولید دی ۹۸ می‌پردازند اما در شرایطی که این اصلاح‌کننده صورت بگیرد یا اصلاح صورت نگیرد، اگر اعتراضی رخ دهد، مجدداً دور باطل اعتراضات بی‌ثمر حاصل می‌شود، اعتراضاتی که ارزش انسانی نمی‌شناسد.

جامعه ایران یک جامعه است نه چند جامعه!

درست از اینکه این برخی چقدر از جامعه را شامل می‌شود راه صحیح رجوع به نمونه‌برداری آماری است. نظرسنجی اسپیا ابعاد این ماجرا را این گونه نشان می‌دهد. این مرکز افکارسنجی در آخرین نظرسنجی خود در خصوص جام جهانی در ۷ و ۸ آورده سال جاری، نسبت به احساس مردم ایران درباره شکست و پیروزی تیم ملی در مقابل تیم‌های انگلیس و آمریکا و لژپرداخته است. و در نظرسنجی خود از جامعه شهری و روستایی کشور با تعداد نمونه ۱۰۰۸ نفر به صورت تصادفی انجام داده است. ۵۰٫۹ درصد پاسخگویان مرد و ۴۹٫۱ درصد زن، ۳۵٫۵ درصد در دهه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال، ۳۷٫۴ درصد در دهه سنی ۳۱ تا ۴۹ سال و ۲۷٫۲ درصد در دهه سنی ۵۰ سال و بالاتر بوده‌اند. براساس نتایج نظرسنجی ۶۶٫۱ درصد کل پاسخگویان و ۸۰٫۲ درصد بینندگان مسابقات ایران در جام جهانی بعد از باخت ایران در مقابل انگلیس ناراحت شدند و ۶٫۸ درصد کل پاسخگویان (۵٫۷ درصد بینندگان مسابقات ایران) از نتیجه خوشحال شدند. ۲۶٫۸ درصد کل پاسخگویان نیز حسن خاصی نداشتند که این میزان برای بینندگان بازی‌های ایران ۸٫۱۳ درصد بوده است. این مرکز درباره بازی ایران و آمریکان نیز نتایجی این چنینی منتشر

برساخت ذهنی و شناخت توهمی

اگرچه دسته‌بندی دقیق معترضان خیابانی و تفکیک آن از آشوب‌طلبان واجد پیچیدگی زیادی بوده و نیاز به اطلاعات دقیق و صحت‌سنجی شده دارد، اما حداقل در نگاهی ساده‌سازی شده با تفکیک اغتشاشگران می‌توان معترضان را ذیل ۳ گروه دسته‌بندی کرد. گروهی که از روز اول با اغتشاش همراه نشده و با هدف جلوگیری از مطالبه خود در آتش آشوب به خیابان نیامدند، گروهی که در روزهای ابتدایی عازم خیابان شدند و با تند شدن شرارت‌ها خط خود را جدا کرده و پای خود را از غائله بیرون کشیدند و دسته آخر هم گروهی که اعتراض داشتند و آشوب هم نکردند اما با حضور در خیابان نادانسته و ناخواسته چراغ آسباب دشمن را روشن نگه داشتند. حداقلی‌ترین اقدام در برابر این جریان گلايه‌مند این است که با ایجاد بستری برای شنیدن صدای اعتراض این حس ایجاد شود که گوش شنوایی برای انتقادات وجود دارد. در ادامه نیز با قبول ایرادات باید این حس ایجاد شود که عزم قاطعی نیز برای رفع آنها می‌توان در برخی مسئولان یافت. در برابر انتقادات ناپیچان نیز بدون برخورد قهری طردکننده استدلال‌های متقن بیان شود. این مواجهه باعث می‌شود تا باب بهانه‌جویی برای تبدیل اعتراض به آشوب بسته مانده و همسویی بهتری برای حل مسائل در ذهن عموم اقشار جامعه ایجاد شود. در دست گرفتن تصاویر تشییع پیکر شهدا و ارائه تعریفی یکجانبه از فضای متکثر جامعه همانقدر می‌تواند غلط باشد که رفتار رسانه‌های برانداز در بازمانی تصویر معترضان به عنوان نمایندگان کل جامعه همراه کننده محسوب می‌شود. گرفتار شدن در یک فضای ذهنی مطلق و برساخته شده چه از جانب مدافعان باشد و چه از جانب معاندان، در نهایت حاصلی جز برخورد با دیوار واقعیت و هزینه‌های گزاف برای نمی‌گذارد.

روداری حداکثری

ابعاد جامعه متکثری که به‌طور روزانه شاهد فعل و انفعالات مثبت و منفی شکل گرفته میان اعضای آن هستیم را به‌طور تفصیلی مورد بررسی قرار دادیم. اما نکته قابل توجه درباره چنین جامعه متکثری، جنس و کیفیت روابط موجود دولت و مردم در آن است. شاید بتوان گفت یکی از شروط نسبتاً بدیهی ادامه حیات کم‌استهلاک جامعه‌ای با این مختصات و تکثر، حاکم شدن روداری حداکثری مردم-مردم و مردم-دولت است. به بیان دیگر می‌توان شرایطی را مثال زد که جامعه در نتیجه آن، مستعد درگیری با التهابات و دوقطبی‌های جدی و عمیق باشد اما از افعال و اظهاراتی که زمینه‌ساز این التهابات است جلوگیری نشود. خلاصه کلام آنکه جامعه میزان تکثر عقاید و سلیقه‌های سیاسی، فرهنگی و حتی قومیتی، به‌شرطی بدون کمترین استهلاکی به حیات و پویایی خود ادامه می‌دهد که در آن، شاهد حکمفرما شدن «روداری حداکثری» متقابل از سوی دولت و مردم باشیم. البته چیزی که بیش از هر چیز باید از سوی دولت مدنظر قرار گیرد، فعال کردن ظرفیت‌های موجود در جامعه از میان جریان‌های سیاسی، تشکل‌های دانشجویی، گروه‌های مردم‌نهاد و مجامعی از این جنس است. به این معنا که دولت برای برقراری ارتباط با مردم به زبان خودشان و با ادبیاتی که توجه آنها را به خود جلب می‌کند، لازم است به فعال سازی حلقه‌های میانی توجهی ویژه داشته باشد. حلقه‌هایی که از آنها تحت عنوان گروه‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های دانشجویی یاد شد، علاوه بر اینکه متشکل از

افراد معمولی این جامعه متکثر هستند، به‌نوعی انگیزه مضاعفی هم برای ایجاد ارتباط میان دیگر افراد جامعه و دولت دارند. دلیلش هم آن است که این گروه‌ها و تشکل‌ها عمدتاً نه بر پایه دغدغه‌های مالی، بلکه بر مبنای ارزش‌های اخلاقی، دینی و ملی شکل گرفته و ادامه حیات داده‌اند. بنا بر همین ویژگی‌هاست که می‌توان از این حلقه‌های میانی و ظرفیت آنها استفاده کرد تا آن شرط کلیدی بدون استهلاک و اصطلاحاً اداره کردن کشور، یعنی حکمفرما شدن «روداری حداکثری» میان مردم و مسئولان را محقق کرد. البته محور قرار دادن روداری در روابط صرفاً نباید متوجه جامعه و تعاملات مردم-مردم باشد. نکته واضح اما تعیین‌کننده آنکه دولت‌ها، به معنای مجموعه‌هایی که کوچک‌ترین تصمیماتشان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... بر سرنوشت میلیون‌ها نفر اثرگذار است. این مجموعه‌ها چاره‌ای ندارند جز آنکه برای اتخاذ سیاست‌هایشان نظر عموم مردم جامعه را جلب کنند. یعنی باید در تصمیم‌گیری علاوه بر نظر کارشناسان و نخبگان، نظر مثبت عموم مردم را هم با خود همراه کنند تا بتوان نسبت به نتیجه آن تصمیم خاص اظهار امیدواری کرد. تصمیم با سیاستی که غالب مردم با آن همراه نباشند و سیاستگذاران هم نتوانند جامعه را با آن همدل کنند محکوم به شکست و نیمه‌تمام‌رها شدن است. این موارد در فضای تصمیم‌گیری دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی